



# نقاشی با رنگ



روستای دودک شهرستان نورآباد استان فارس

صابر کرباسچی



رنگ‌ها همیشه برای بچه‌ها هیجان‌انگیزند. رنگ‌های اصلی (زرد، قرمز، آبی) و دو رنگ سیاه و سفید را در پنج بطری آب معدنی ریختیم و وارد جمع بچه‌ها شدیم. با هم به حاشیه رودخانه رفتیم. زمینی مسطح بود. با کسب اجازه از صاحب آن، در آنجا مستقر شدیم. بچه‌ها بی‌صبرانه منتظر شروع فعالیت بودند.



رنگ‌ها را در کاسه‌های یک‌بار مصرف سس خوری تقسیم کردیم. هر دانش‌آموز رنگ مورد علاقه خود را برداشت و جلوی کاغذ پهن شده روی زمین نشست. بعد از فروکش کردن هیجان اولیه سؤال‌ها شروع شد. مهم‌ترین سؤال‌ها درخواست رنگ‌های دیگر بود. ما به بچه‌ها گفتیم فقط همین رنگ‌ها را داریم و رنگ دیگری نداریم. کم‌کم ایده ترکیب رنگ‌ها شکل گرفت تا جایی که دیگر رنگی نبود که امتحان نکنند. کشف ترکیب رنگ‌ها با هم، تجربه‌ای بود که تقریباً همه به آن اقدام کردند و تنوعی از رنگ‌ها در طیف‌های متنوع را ساختند و استفاده کردند.



یکی دیگر از درخواست‌های بچه‌ها قلم‌مو بود که آن هم با پاسخ منفی ما روبه‌رو شد. به این ترتیب، به سرعت فکر استفاده از ساده‌ترین قلم‌مو که ده عدد هم بود (انگشتان دو دست) شکل گرفت. بعضی از بچه‌ها هم از عناصر محیط مثل شاخه درختان استفاده کردند.



ادامه دارد...



این فعالیت را با بچه‌های روستای پهنون نیز در کوه انجام دادیم و نقاشی‌ها روی سنگ‌های اطراف مدرسه روستا نقش بست.

از قبل فکر کرده بودیم که با رنگ روی سنگ‌های حاشیه رودخانه کار کنیم، ولی وقتی عده‌ای از بچه‌ها برای شستن دست به کنار آب رفتند، این ایده را اجرا کردند و کم‌کم همه مشغول رنگ‌آمیزی یا نقاشی و برخی هم نوشتن روی سنگ‌های اطراف رودخانه شدند.



اینم  
از اثر دستای  
ما که دیگه حسابی  
آبی شده بود...



تقریباً کاسه‌های رنگ که تا اینجای کار نصف رنگ آن‌ها استفاده شده بود، در این بخش از فعالیت کاملاً تمیز شدند. تأکید به بچه‌ها برای جمع‌آوری کاسه‌های خالی رنگ لازم بود تا محیط زیبایی خود را از دست ندهد. مردم روستا که از بالای پل رودخانه رد می‌شدند از دیدن سنگ‌های رنگی و نقاشی‌ها و نوشته‌های بچه‌ها شاد می‌شدند.





پیدا کردن مارمولک، خرچنگ و کمی هم آب بازی چاشنی شیرینی برای تکمیل فعالیت یک ساعته ما با بچه ها در کنار رودخانه بود.



وای  
عجب مارمولکی!  
کاشکی شکل اینم  
روی یکی از سنگ ها  
می کشیدیم...

